

ضرورت همبستگی اجتماعی

دکتر غلامرضا غفاری - استاد جامعه‌شناسی و رئیس دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران

اگرچه همبستگی اجتماعی در شکل‌های چندگانه‌اش همواره ضرورتی مبنایی برای حفظ و تداوم اجتماعات و جوامع انسانی بوده است، در زمانه و هنگامه بروز سختی‌هایی چون جنگ و شرایط سخت این ضرورت دوچندان می‌شود و از آن به مثابه سیاستی کارساز برای پایداری جامعه و نظم اجتماعی یاد می‌شود. همبستگی اجتماعی دلالت به وجود وفاق و وفاداری برآمده از علائق، احساسات، همدلی و کنش‌های مشترک و جمعی دارد. عالمان اجتماعی آن را به مثابه چسب و سیمان اجتماعی دانسته‌اند که موجد وجود امر و واقعیتی به نام اجتماع و جامعه می‌شود. همزیستی مسالمت‌آمیز، مدارا، دیگرخواهی، حس تعلق، وفاداری و در کنار یکدیگر بودن جوهره همبستگی هستند. سطح بالای همبستگی، زمانی است که کنش‌های افراد اخلاقی و معطوف به یک جمع باشد. در این کنش‌ها مسئولیت و وفاداری در قبال دیگران به حد اعلای خود می‌رسد. در چنین وضعیتی بی‌گمان سردی اجتماعی، کینه، دشمنی و خشونت جای خود را به صلح و دوستی، امید و کنش‌گری معطوف به آینده خواهند داد. البته باید بپذیریم که جامعه امروز جامعه‌ای پیچیده و پرمخاطره است و در نبود سیاست و تدبیر مناسب، همبستگی اجتماعی خود را به سرعت از کف می‌دهد. همبستگی اجتماعی هم هدف و غایت نظم و توسعه اجتماعی پویا و پایدار است و هم سازوکار غلبه بر ناملایمات محیطی و اجتماعی است. چنین سازوکار و ضرورتی نیازمند قواعد و اخلاقیاتی است؛ اخلاقیات جمعی معطوف به خیر عمومی که با در نظر گرفتن افراد به عنوان شهروندان فعال و به کمک خود آن‌ها می‌بایست محقق شود. کسانی که نه فقط حقوق خود را مطالبه می‌کنند، بلکه با نگاهی بلندمدت وظایف خود نسبت به اجتماع و دیون خود نسبت به اجتماع را نیز به رسمیت می‌شناسند، برای آن حرمت قائلند، و متعهد و وفادار به انجام درست وظایف فردی و اجتماعی هستند. بر این مبنای افراد در زنجیره‌ای از حقوق و وظایف متقابل، که آنان را نسبت به خیر جمعی متعهد نگه می‌دارد، زیستی پویا و بالنده خواهند داشت و جامعه معنا و هویت واقعی خود را پیدا خواهد کرد و اعضای آن نسبت به آن حس تعلق و احساس دین کرده و پذیرای مسئولیت اجتماعی خواهند بود؛ منافع جمعی بر منافع فردی رجحان خواهد داشت. بی‌گمان چنین همبستگی اجتماعی سوای از اینکه کارویژه‌های مهمی چون: سلامت روانی و اجتماعی، پایداری و تاب‌آوری اجتماعی و گسترش زیست جمعی و انجمنی را موجب می‌شود، پایه و سکویی برای نیل به انسجام اجتماعی است. انسجام و یکپارچگی که در شرایط سخت و وجود فشارهای عدیده راه را بر اختلال، گسست و فروپاشی می‌بندد و سامان اجتماعی و سیاسی را ممکن می‌کند.